

فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره پیاپی: پانزدهم - بهار ۱۳۹۲

از صفحه ۵۹ تا ۷۴

بن مایه‌های تعلیمی صور خیال (تشبیه) در شعر انقلاب اسلامی*

سید احمد حسینی کازرونی^۱

استاد زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر - ایران

محمد رضا کمالی بانیانی^۲

مرتب زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایذه - ایران

چکیده

بی‌شک، شاعر انقلاب در هر یک از زمینه‌های شعری به نوشتن و آفریدن گرایشی ذاتی داشته است و دیدش نسبت به انسان، جهان، مذهب، طبیعت و ... دگرگون گشته است. در شعر بیش از هر چیز، شاعر در پی حس کردن مفاهیم انتزاعی برای مخاطب است که در این روند از کارکردهای فراوانی بهره جسته است. مثلاً کارکرد رنگ یا تعبیرات و اصطلاحات جدیدی که با تعاملات فرهنگی نو پدید وارد شعر شده‌اند. در این راستا استفاده از صور خیال با بن مایه‌های تعلیمی - اخلاقی یکی از مهم‌ترین دست مایه‌های شعرای این دوره بوده است. در این مقاله ضمن اشاره به دگرذیسی ساختاری صور خیال در شعر انقلاب اسلامی، به بررسی بن مایه‌های آن نیز پرداخته می‌شود. بن مایه‌های تعلیمی صور خیال در شعر انقلاب را عناصری همانند باورها و اعتقادات، عناصر انقلابی، عناصر خاص فرهنگ شهادت و ... در بر گرفته است.

واژه‌های کلیدی: صور خیال، تشبیه، تشبیهات انقلابی، فرهنگ شهادت.

*- تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۱۴

^۱- پست الکترونیکی: Sahkazerooni@yahoo.com

^۲- پست الکترونیکی: Banianimohammad@gmail.com

مقدمه

شعر در برخورد با طبیعت و اشیاء و انسان‌ها، گاهی به نوعی بینش نایل می‌شود که از اندیشه‌ی محض و منطقی سرچشمه نگرفته است. نوع تعامل و پیوند شعر با انسان و طبیعت چیزی است تازه و بدیع که ذهن را به پدیده‌های زیباشناسی و طرح تصاویر خیال‌انگیز می‌کشانند. این تصوف شاعر در واقعیات محسوس و معنوی، زمینه اصلی جلوه‌های خیال در شعر است و بانی فرایند حاصل نوعی بیداری و درک ارتباط با هستی است. ذهن شاعر تنها گیرنده‌ای است که می‌تواند در برابر احساسات بیدار شود و پیوند عاطفی و ذهنی را تا بی‌نهایت تاریخ و حیات انسان گسترده سازد. از همین روی در هر دوره‌ای، شاعر به تناسب تأثیرات از محیط و انسان تصاویری تازه می‌آفریند که سبب طراوت زبان و شعر می‌گردد. عنصر خیال و تصویر در نقد ادبی بخش عظیمی از مباحثات ادبی را به خود اختصاص داده است. اما «آنچه ناقدان اروپایی ایماژ می‌خوانند، در حقیقت مجموعه‌ای از امکانات بیان هنری است که در شعر مطرح است. زمینه اصلی تصویر را انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی، رمز و گونه‌های مختلف تصاویر ذهنی می‌سازد. با توجه به این که ایماژ، هم از نظر لغت و هم از نظر اصطلاح برابر است با تصویر یک شی، خواه تصویر ذهنی باشد، خواه مادی، شایسته است که آن چه در نقد جدید و در کتاب‌های بلاغت به نام ایماژ خوانده می‌شود، برابر نهاده شود. زیرا گذشته از این که لفظ ایماژ از نظر لغوی به معنی تصویر، سایه و خیال است، از نظر فلسفی نیز حوزه‌ی کاربرد آن نزدیک به همین مفهوم اصطلاحی اهل نقد و ادب است» (کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۰). البته این‌ها حکم عمومی و کلی وضع تصویرهاست، و گرنه در سه دوره‌ی انقلاب، جنگ و پس از جنگ تا به امروز شاعران در قالب‌های سنتی و هم در قالب‌های نو از این امکانات بیانی بهره‌های فراوان برده‌اند که برخی از آنها حاصل رسیدن شاعر به تجربه‌های خاص شعری است و بخشی هم در تماس مستقیم شاعر با طبیعت، زندگی و انسان معاصر است که فرایند خلاقیت، آگاهی، ادراک و آفرینندگی وی است.

آنچه صور خیال را از حیث بن‌مایه در شعر انقلاب برجسته می‌سازد زمینه‌های فرهنگی، دینی و مذهبی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

تشبیه

همانند کردن دو چیز مختلف را که از جهاتی با یک دیگر شبیه باشند تشبیه می‌گوییم. تشبیه در علم بیان به معنی مانند کردن چیزی است به چیزی، مشروط به این که آن ماندگی مبتنی بر کذب یا حداقل دروغ نمی‌باشد، یعنی با اغراق همراه باشد. (شمیسا، ۱۳۸۰: ۲۵۵) تشبیه در قالب‌های سنتی پس از انقلاب از سایر صورت‌های خیال پیشی می‌گیرد، ما در پایان بحث صور خیال، در یک استقراء نشان خواهیم داد که میانگین کاربرد این زیبایی‌گفتار در قالب‌های سنتی بسیار چشمگیرتر از سایر آرایه‌ها بوده است. اما به دلیل آنکه همه‌ی آنها نو نبوده‌اند، تنها تشبیهاتی را که رنگ تازه‌تری داشته‌اند، ذکر نموده‌ایم. تشبیهات شعر انقلاب از جهت بن‌مایه و تا حدودی ساختار با تشبیهات قبل از خود متفاوت است. به عبارت دیگر آنچه نوع تشبیه را از دوره قبل از انقلاب جدا می‌سازد استفاده از عناصر تعلیمی - اخلاقی در ساخت صور خیال است.

بن‌مایه‌های تشبیه در شعر انقلاب

- تشبیه‌هایی که رنگ انقلابی دارند

تشبیه‌هایی که رنگ انقلابی دارند و با تحولات جنگ، و فرهنگ شهادت، در ذهن شاعر متبلور می‌شود. اغلب این گونه تشبیه‌ها خمیر مایه‌ای مذهبی - تعلیمی و مبارزه‌ای دارند:

چابک براق عاشقی ← تشبیه بلیغ

چابک براق عاشقی را زین نهادند پا در رکاب باره‌ی دیرین نهادند

(حسینی، ۱۳۶۳: ۲۰)

باغ شکوفه ← پیکر شهید ← تشبیه بلیغ

گلبرگ شقایق بستر شهید ← تشبیه بلیغ

این باغ شکوفه است؛ یا پیکر اوست این بازی خون و نور در عرصه عشق

گلبرگ شقایق است یا بستر اوست خورشید نشسته در شفق، یا در سر اوست

(عبدالملکیان، ۱۳۶۶: ۳۳)

شاعر پس از انقلاب در ورود به فضای نوپردازی، قابلیت‌های تازه و دریافت‌های ذوقی را به قلم می‌کشد، قابلیت‌هایی که شاید در قالب‌های نوین شعر نیز این‌گونه جولان نداشته‌اند. با تشبیه پیکر هر شهید صحنه‌ای از رباعی مذکور را می‌توان در فضای انقلاب مشاهده کرد. این جامدان شکفتگی اندیشه‌های رئالیستی در بستری از خون و عشق و تلاقی تخیل و واقعیت در هستی شعر تحقق می‌یابد. التهاب لحظه‌های تاریخی در رگ واژه‌ها و کشف تصویرهای نوزا از قلب زمان صورت می‌پذیرد.

شهید به تیر مانند می‌شود. ← تشبیه بلیغ

چون کوه دل خموش و غمین بود در سکوت چون تیر، گل خروش رهایی شنید و رفت

(گرمارودی، ۱۳۶۳: ۷۵)

خوشه‌ی رعد ← تشبیه بلیغ

رزمندگان با پرچم‌های برافراشته ← تشبیه مضمیر

چون خوشه رعد، شب گدازند هنوز در راه سحر حماسه سازند هنوز

این شیردلان عشق، پرچم پرچم بر قله‌ی حق، در اهتزازند هنوز

(عبدالملکیان، ۱۳۶۶: ۹۳)

دژ نصر من الله ← تشبیه بلیغ

بانگ تکبیر شما مژده فتحی است قریب تا دژ نصر من الله بود سنگرتان

(حسینی، ۱۳۶۳: ۱۴)

در سال ۱۳۵۷ و پس از پیروزی انقلاب که حادثه‌ی جنگ و جبهه در کشور تقارن داشته‌اند؛ ادبیات و به ویژه شعر به ابزاری مناسب برای بروز احساسات مذهبی و روحیه‌ی مبارزه طلبی تبدیل شده است و شعر و شعار آمیزه‌ای از اعتقادات و افتخارات

می‌شوند. لذا دژ نصر من الله در فریاد تکبیر مردم جان تازه می‌گیرند و نیز اندیشه‌های مذهبی کهن که بارها در دوره‌های گذشته تصاویری جدید شده بودند. در شعر قالب‌های سنتی پس از انقلاب، به گونه‌ای محسوس تر رخ می‌نمایند. در رباعی زیر «دست مبارک ابوالفضل (ع)» به پرنده‌ای تشبیه شده است که مشکی را از آب گرفته، به حمایت از آب می‌افتد و جاری می‌شود.

دست به رود ← تشبیه صریح

زان دست که چون پرنده بی تاب افتاد بر سطح کرخت آب‌ها تاب افتاد
دست تو چو رود تا ابد جاری شد زان روی که در حمایت از آب افتاد
(هراتی، ۱۳۶۸: ۱۶۰)

ضمن آن که حمایت کردن از آب حسن تعلیلی بدیع و هنری برای جاودانگی و جاری بودن است.

عشق به رهبر و تشنج این احساس در رگ‌های شعر انقلاب نیز تخیلی نوپدید است که تصاویری تازه با بن‌مایه‌های تعلیمی - دینی می‌آفریند. اگر چه پیشینه شعر مذهبی ناصر خسرو را در نظر دارد.

در بیت زیر دو دست رهبر، به دو شط بیداری که امتدادش از خشکی تا دریاست تشبیه شده است.

دست و شط بیداری ← تشبیه بلیغ

دست‌هایش دو شط بیداری امتدادش زخاک تا دریاست
(راکعی، ۱۳۶۹: ۷۷)

همین شاعر در تمجید از امام خمینی (ره) و به تأثیر از رهنمودهای این شاخصه‌ی فرهنگی - مذهبی در جهان معاصر، اقدام به آوردن تشبیهی مرکب با بن‌مایه تعلیمی در تخیل شاعرانه کرده است:

خشم در ابروان پرگرهش گردبادی عظیم و طوفان زاست

(همان، ۱۳۶۹: ۹۵)

و شاعری در ستایش از علامه امینی (الغدیر)، واژه غدیر را برای ساختن تشبیه صریح ذوالجناح غدیر به وام می‌گیرد.

افتادن سایه‌های برگ درخت خرما بر سطح برکه (غدیر)، تصویری نو و حماسی از نشستن تیرها بر پیکر ذوالجناح در روز عاشورا جلوه می‌دهد.

ذوالجناح آسا ز فرط انعکاس برگ نخل بال‌ها از تیر دارد، رسته بر پیکر غدیر
(میرشکاک، ۱۳۶۸: ۳۳)

در نسل سرخ شعر، شاعر الگوها را به هم می‌ریزد و به تأثیر از فضای تازه، بهترین و مقدس‌ترین واژه‌ها را که دارای ریشه‌های اخلاقی - تعلیمی هستند، در تخیل می‌پروراند:

سوره‌ی چشم ← تشبیه بلیغ،

تصویری از مرگ شهید و فرار یأس از چشم شهید، آشنایی زدایی در شعر انقلاب
جان دادن او کنایه‌ای از یأس نبود با او اثری زسایه‌ی یأس نبود
آن لحظه که جان در گرو عشق نهاد در «سوره‌ی چشمش» آیه‌ی یأس نبود
(کاکایی، ۱۳۶۹: ۸۴)

تحركات دشمنان منافق در شعر و ادبیات تأثیرگذار است. بیت زیر در مرگ شهید
آیت الله دستغیب سروده شده است که در آن منافق به شغالی مانده است که از ارباب
خود گراز (استعاره برای قدرت‌های جهانی) دستور می‌گیرد.

در کمین گل این باغ، شغالات نفاق گوششان تیز به فرمان گراز دگرست
(حسینی، ۱۳۶۳: ۱۴)

شهیدان گل باران شده به بهار لاله بر دوش مانند شده‌اند ← تشبیه مرکب
شهید ← بهار

در پهنه‌ی آفتاب گل پوش شدند در وادی عاشقی عطش نوش شدند
یاران شهید در سرآپرده‌ی خاک مانند بهار لاله بر دوش شدند

(قنبری، ۱۳۶۷: ۷۶)

فواره‌ی رگ ← تشبیه بلیغ

در برگ ریز سنگر همواره می‌شکوفد فواره‌ی رگانت چون لاله بهاری

(حسینی، ۱۳۶۳: ۲۳)

باختین از فرمالیست‌های متأخر استقلال زبان شاعرانه را رد می‌کند و در مورد جامعه‌شناسی ادبیات تکیه‌اش بر کرونوتوپ است، کرونوتوپ الگوی زمانی - مکانی است. شاعر عصر انقلاب و پس از آن نیز برخی واژه‌ها را از ادبیات گذشته گرفته، با مشخصه‌های زمانی و مکانی خود مطابقت می‌دهد و به آنها بعد تعلیمی - اخلاقی می‌بخشد. رگ در شعر فوق موتیف کهنی بود که در شعر پیش از انقلاب به رود یا مانند آن تشبیه می‌شد، اما در قالب‌های کلاسیک پس از انقلاب به تاثیر از هیجان‌ات انقلابی جای خود را به فواره می‌دهد. در وهله نخست فواره به لاله‌ی بهاری تصویر می‌شود؛ سپس لاله‌ی بهاری جامی است فواره مانند از خون شهید که در سنگر جنگ و جبهه همواره در رویش است.

جز لاله‌های خون در آن مسلخ نمی‌رست در نای‌ها حتی گل آوخ نمی‌رست

(حسینی، ۱۳۶۳: ۲۴)

شهید به امام زاده مانند شده است ← تشبیه بلیغ

تو آن امام زاده‌ای که ماه و خورشید دخیل بر ضریح دیده تو بسته است

(قروه، ۱۳۶۹: ۱۶)

البته اغلب ابیات از جمله بیت مذکور می‌توانند آرایه‌های دیگری مثل اغراق، استعاره‌ی مکینه، تشبیه مضممر و تفضیل را نیز در خود داشته باشند. در این مورد می‌توانند یادآور زینت آرایه سبک هندی در توصیفات و تعبیرات خیال انگیز باشند. تطبیق تاریخ و اسطوره‌های مذهبی نیز در قالب‌های سنتی شعر پس از انقلاب جانی تازه گرفته‌اند. به ویژه هنگامی که با مفاهیم شعر عاشورایی می‌آمیزند، جلوه‌ای پر نقش و نگار را می‌آفرینند. در رباعی زیر منبر نی تشبیهی بلیغ است که حسین (ع) شوریده

سر نینوا هفتاد و دو فصل [یاران حضرت (ع)] ایمان را با نای بریده بر سر آن تفسیر می‌کند:

شوریده سری که شرح ایمان می‌کرد هفتاد و دو فصل سرخ عنوان می‌کرد
با نای بریده نیز، بر منبر نی تفسیر خجسته‌ای ز قرآن می‌کرد
(حسینی، ۱۳۶۳: ۸۵)

۲- تشبیهات تعلیمی که جنبه توصیفی دارند

این گونه تشبیه‌ها حاصل بینش تازه‌ی شاعر از زیبایی‌های طبیعت و انسان است: فرو ریختن مواز سر بر شانه به ریزش آبشار از کمر کوه مانند شده است ← تشبیه مرکب

آبشار از کمر کوه فرو می‌ریزد یا که از سر به سر دوش تو مو می‌ریزد
(جمالی، ۱۳۶۶: ۴۵)

فلات آفرین ← تشبیه بلیغ

مردمان زارع فطرت نشین شاه کاران فلات آفرین
(عزیزی، ۱۳۷۵: ۵۰)

بادهی سبز دعا ← تشبیه بلیغ

«باده سبز دعا» در خم جوشنده‌ی دل تا در اندیشه‌ی ما، شور تو افتاد شکفت
(مردانی، ۱۳۷۸: ۱۵)

دل به پارچه‌های مخمل و ململ مانند شده است ← تشبیه بلیغ و جمع
به گمان پوست نه - سمباده - ولی بی‌تردید طاقه طاقه دلی از مخمل و ململ با اوست
(بهمنی، ۱۳۷۷: ۲۱۹)

گاهی پیام شعر پس از انقلاب، در بستری از تخیلات و سایه روشنی از شیوه‌های سبک هندی می‌بالد. در نمونه‌ی زیر شاعر برای احتیاج بیان و احساس خود به تمثیل روی آورده است. همان شیوه‌ای که شاعران عصر صائب و کلیم به آن توجه تام داشتند. اما این بار پیچیدگی‌ها به ضرورت زمان، ساده و روز فهم می‌گردند:

بی تابم آن چنان که درختان برای باد یا کودکان خفته به گهواره تاب را
(امین پور، ۱۳۷۹: ۵۵)

یکی دیگر از ویژگی‌های شعر پس از انقلاب، رویکرد به شیوه‌ی پارادوکسی است، که در حاله‌ای از تخیلات کلاسیک و سنتی اما با بیانی ناآشنا ظاهر می‌شود. **دریاچه‌ی باد** از همین تشبیه‌ها است که در کنار آتش و دریا، تصویری پارادوکسی ناساز از وجود خیالی شاعر (پرنده‌ی آتشین بال) ارائه می‌کند:

مرا آتشی هست در جان، که ترسم به دریاچه‌ی باد ریزد پر من
(کاشانی، ۱۳۷۸: ۱۸)

گاهی نیز در قالب‌های سنتی، تشخیص و تشبیه در کنار هم قرار می‌گیرند، شاعر عبور لحظه‌های عمر را بر چهره‌ی خود چنین تصویر می‌کند:

مثل یک سایه در چین پیشانی من دویدند خنده‌های مرا نیز یک جا به همراه بردند
(کاکایی، ۱۳۶۹: ۳۲)

جای پای لحظه‌ها مثل حرکت سایه به دنبال انسان، حضوری مؤثر و بی صدا که خنده‌های شاعر را در نگریستن به خویش از او می‌گیرد و وی را از خودش وا می‌رہاند.

ارتباط شاعر با طبیعت و نگاه ویژه‌ی وی به پدیده‌ها نیز در شعر معاصر دگرگون گشته است، در نمونه‌ی زیر **باغ بلور خاطر و گنجشک نگاه** صورت تازه‌ای از تشبیه است:

آن که در باغ بلور خاطر کرده گنجشک نگاهش لانه کو
(ده بزرگی، ۱۳۷۸: ۶۹)

امروزه شاعر راه تازه‌ای برای نفوذ به درون اشیاء می‌یابد و استنباط جدیدی دارد که به ظرفیت‌های شعری غنا می‌بخشد. همین دید تازه سبب نوآفرینی در زبان می‌گردد. به عقیده‌ی برخی نقادان معاصر، نفوذ به درون اشیاء باید به گونه‌ی باشد که وقتی شاعر از سنگ می‌گوید، باید مخاطب فکر کند شاعر به دورن سنگ راه یافته و

سنگ شدن را تجربه کرده است. در نمونه‌ی زیر نحوه‌ی هم نشینی کلام، حاکی از پیوند و ارتباط است:

چو گلدان خالی، لب پنجره پر از خاطرات ترک خورده‌ام

(امین پور، ۱۳۷۹: ۶۳)

در شعر انقلاب و پس از آن، تشبیهات ظریف‌تر از گذشته بیان شده‌اند و شاعر در انتخاب آزادی عمل دارد.

از تو لبریز است «مینای غزل» بعد از این‌ها، شعر آزاد منی

(جمالی، ۱۳۶۶: ۱۱۶)

اسطوره‌ها در حماسه‌ی کربلا، توصیفی تازه را در ذهن شاعر تداعی می‌کنند. در نمونه‌ی زیر حرّ یقین و یزید کینه تشبیهاتی بلیغ هستند که در شعر انقلاب حضوری نو یافته‌اند:

بهار حرّ یقینی، به طارم خورشید یزید کینه در او آشیان نمی‌سازد

(زیادی، ۱۳۶۷: ۴۱)

۳- تشبیه‌هایی که در پیوند با زندگی و آموزه‌هایند

تشبیه‌هایی که محصول پیوند شاعر با مردم، زندگی و آموزه‌های تازه است. یقیناً پس از انقلاب اسلامی اغلب معادلات و قراردادهای معمول اعم از فرهنگی و اجتماعی و تعاملات درونی جامعه به نوعی به هم ریخته شده شاعر در دوران معاصر به دنبال شیوه‌های مناسب برای طرح اندیشه و داد و ستد ارزش‌ها و اندیشه‌های تعلیمی در لایه‌های مختلف اجتماع می‌گردد. تصاویر در رسالت آگاهی بخشیدن به مردم از سوی شاعر با گذر زمان و دگرگونی‌های جامعه رنگ تازه‌تری به خود می‌گیرند. عادت زدایی در زبان نیز در راستای همین موضوع است. زبان، در نمونه‌ی زیر تصویر گل، از درخت ماء وطن [مجاز با علاقه‌ی جز به کل قرآن کریم] و گل در باغ فرهنگ معین که واژه‌ی قاموسی آن مدنظر شاعر است؛ از همین نمونه هاست:

خود بچین گل از «درخت ماء وطن» گل مخواه از «باغ فرهنگ معین»

(عزیزی، ۱۳۷۵: ۱۸۰)

در زبان فارسی، انبوهی از واژگان داریم که بر اثر تحولات جدید در زمینه‌های تازه به کار می‌روند. و شاید بهترین بستر ادبی برای شرح این معما را در نوع **داستانی** بتوانیم جستجو کنیم. اما شاعر در قالب‌های سنتی معاصر با هنرمندی و خلاقیت توانسته است یک بیت شعر را جایگزین یک داستان طولانی کند و هسته‌ی مرکزی شعر را همان شاخصه فرهنگی جامعه قرار دهد. **تنور قرض** تشبیهی است که هر جزء آن از نو معنا می‌گیرند:

دست بابا در «تنور قرض» سوخت مادرم پیمان‌هایش را فروخت
(عزیزی، ۱۳۷۵: ۱۲۱)

تشبیه **پیرهن زخم** نیز پیام آور حادثه‌های سیاسی - فرهنگی انقلاب است؛ در هنگامی برای زاران کعبه حادثه تلخ حمله سعودی‌ها ایجاد می‌شود:

بر قامت ما «پیرهن زخم» بدوزید تا پاک کند تهمت عریانی ما را
(قزوه، ۱۳۶۹: ۶۱)

ادبیات به تأثیر از تبادلات اقتصادی اجتماعی (مثل فقر) و پیامدهای نامتوازنی همچون شغل‌های کاذب و ... متحول می‌شود. شاعران به ضرورت نوسازی بنای شعر، به گرتنه برداری از واژه‌های مصطلح پرداخته. تشبیهاتی متناسب با زبان روز را در قالب‌های سنتی به کار می‌گیرند. **گمرک دل** و **ساک تب** از این نوعند:

«گمرک دل» می‌گرفت از مرزها «ساک تب» را با تمام لرزها
(عزیزی، ۱۳۷۵: ۱۰۷)

تصاویر در قالب‌های سنتی پس از انقلاب گاهی یک سوی حسی دارند و چند سوی انتزاعی. در نمونه‌ی زیر، شاعر واژه **فواره** را که از اشکال حسی آب است، با **صفت روشن** که از ویژگی‌های علم و آگاهی است به **جستجو** که پدیده‌ای ذهنی و مجرد است تشبیه کرده است. در مصرع دوم نیز تشبیهی کاملاً جدید از غفلت و بی‌خبری ارائه می‌دهد. گویی جستجو، چشمه‌ای جوشنده در درون انسان است که آدمی

ناآگاهانه آن چشمه فیاض را با خاک خیس بسته نگه می‌دارد. همچنین است **خاک**

تغافل:

ای کاش «فواره روشن جستجو» را با «خاک خیس تغافل» نیندوده بودیم

(هراتی، ۱۳۶۸: ۱۴۰)

شاعر در قالب‌های کلاسیک توانسته مانند قالب‌های نوین شعر، گستره‌ی بینش خود را وسیع‌تر کند و جهت‌های تازه‌ای از آگاهی و دانش دست یابد. راز این موفقیت را باید در جس کاوشگرانه‌ی وی جستجو کرد. تشبیه **مجله ستاره** در مثال زیر گویای این ویژگی‌هاست. دیگر تنها ستاره‌ها نیستند که روشنی بخش آسمان‌هایند بلکه باید در زمین هم ستاره‌هایی داشت:

دگر چراغ کوچه‌های آسمان هم ستاره نیست مجله‌های دسته دسته است

(قروه، ۱۳۶۹: ۳۲)

شاعر در نوسازی تشبیه در محور هم نشینی تصرف می‌کند. او ابتدا عادت زدایی می‌کند، سپس بین واژه‌ها و مفاهیم یا ادراکات جدید با خواننده پلی می‌زند و با آوردن ترکیب‌های غیرمنتظره از کلیشه پردازی و تکرار می‌گریزد. در بیت زیر شاعر مخاطب را به تماشای برگ سبزی می‌برد که دچار بیماری یا آفت زردی شده است:

نشسته‌اند «ملخ‌های شک» به برگ یقینم بین چه زردی می‌چوند مرا - سبزترینم

(بهمنی، ۱۳۷۷: ۱۸۷)

هسته اصلی پیام در بیت، واژه ی شک است که به حالتی برجسته، به جوییدن برگ سبز یقین در شاعر مشغول شده است. حضور عنصر **رنگ** در کلام وی سبب شده است خواننده نقش تصویر و تخیل را ملموس‌تر درک کند. تصاویر گاهی رنگ و بوی **هندی** دارند:

طفل مظلومیت ما خفته است در پناه امن دیوارها

(کاکایی، ۱۳۶۹: ۵۲)

آویختم خویشتن را از تار لحظه‌ها عمر چو عنکبوت همه سرنگون گذشت

(گرمارودی، ۱۳۷۸: ۱۴)

انتقال معنای منفی به مثبت در ذهن مخاطب نیز از تازگی‌های تصویرسازی در قالب‌های کلاسیک معاصر با بن‌مایه‌های تعلیمی است:

روید «گل دار» از این خاک و ندیدم بیدار شدن‌های تماشایی خود را
(کاکایی، ۱۳۶۹: ۶۰)

به «درار شعله» شهیدان عشق خندانند دم از دوباره‌ی میلاد صبحدم بزیند
(مردانی، ۱۳۶۴: ۸-۲۵)

۴- تشبیهاتی که در علم و عرفان و اندیشه بالیده‌اند:

تشبیه تخمین به برگ:

عالمان در باغی از اندیشه‌ها «برگ تخمین» می‌زنند از ریشه‌ها
(عزیزی، ۱۳۷۵: ۱۱۲)

تشبیه دین به گاری:

«گاری دین» جناب فیلسوف می‌کشد دنبال خود مثنی حروف
(همان: ۹۸)

پیمانه‌ی لا:

از آن‌ها که «پیمانه‌ی لا» زدند دل عاشقی را به دریا زدند
(حسینی، ۱۳۶۳: ۴۰)

هر دسته از این گونه ترکیبات تشبیهی می‌توانند از نظر ساختاری یا محتوایی تقسیمات دیگری مانند تشبیهات اسطوره‌ای، جنگی، مذهبی، عاشقانه و ... داشته باشند.

۵- گرایش به تصاویر مدرسه‌ای

در این مورد نیز شعرا با به‌کارگیری عناصر زمینه‌ساز تعلیم و تربیت به تصویرسازی در این زمینه پرداخته‌اند که نگارندگان با توجه به واژگان به‌کار رفته و بن‌مایه‌های تعلیمی - علمی آنها این عنوان را برای آنها برگزیدیم.

تشبیه عقل به سؤال امتحانی:

عقل استاد معارف در کلاس چون سؤال امتحانی گم شده
(ده بزرگی، ۱۳۷۸: ۹۸)

تشبیه پنجره به گونیا:

رسم می‌شد انحنای زنجیره گاه گاه از گونیای پنجره

(عزیزی، ۱۳۷۵: ۳۸۲)

تشبیه فهرست کتاب آرزو:

آینه‌ی باران و بهار چمنی شادابی بوستان و سرو و سمنی
بیرون ز تو نیست آن چه می‌خواستیم «فهرست کتاب آرزوهای» منی

(شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۲۲۳)

بسامد نوآوری در بن مایه‌های تعلیمی تشبیه اشعار ده تن از شاعران برجسته این دوره

ردیف	نام کتاب و نویسنده	سال انتشار	درصد
۱	گزیده (احد ده بزرگی)	۱۳۷۸	۶۶/۰۷
۲	گزیده (سپیده کاشانی)	۱۳۷۸	۵۹/۴۳
۳	دریا در غدیر (ثابت محمودی) سهیل	۱۳۷۹	۴۲/۳۴
۴	ماه و کتان (یوسف علی میرشکاک)	۱۳۶۸	۴۰/۲۸
۵	سفر سوختن (فاطمه راکعی)	۱۳۶۹	۳۵/۷۸
۶	خطوط دل‌تنگی (بهمن صالحی)	۱۳۷۲	۳۳/۰۵
۷	گزینه (قیصر امین پور)	۱۳۷۹	۳۰/۷۶
۸	بهت نگاه (عباس براتی پور)		۳۰/۴۳
۹	گزیده (پرویز بیگی حبیب آبادی)	۱۳۷۸	۲۲/۴۴
۱۰	نجوای جنون (ساعد باقری)	۱۳۶۸	۱۹/۵۶

نتیجه

همان‌گونه که در این مجال کوچک مشاهده شد، شاعر انقلاب در ورود به فضای نوپردازی جدید، قابلیت‌ها و دریافته‌های ذوقی تازه‌ای با توجه به کاراکترهای جدید پیش آمده که مهم‌ترین آنها روی آوری به گزینش عناصر تعلیمی - اخلاقی در تمام جنبه‌های به ویژه صور خیال است که به تصویر می‌کشد. شاعر انقلاب دیگر حوصله تأمل و تصورات دیرپای گذشته را ندارد و در هر کجا حادثه‌ای رخ نموده برای بازتاباندن احساسات خود نسبت به آن وقایع قد برافراشته و با زبان و اندیشه تعلیمی و نصیحت‌گونه، به جنگ با سرنوشت پرداخته است. این را از آن جهت گفته می‌شود که ادبیات انقلاب به منزله روح و جان (شعر انقلاب) در آن جو به وقوع پیوسته، زندگی کرده است و به عنوان صدیق‌ترین، گویاترین و پسندیده‌ترین سند موجود از آن دوران هم چنان راست قامت بر خط تطور ایستاده است. لذا پرداختن به ادبیات این عصر از زندگی شعر به عنوان یک فضیلت تلقی می‌شود. یکی از این وظایف ایجاد مجموعه‌ای جدید از زیبایی‌های سخن است. ایجاد تشبیه با موضوعات متفاوت با عصر قبل در قالب محتوایی انقلابی، عرفانی، علمی و ... یکی از تفاوت‌های شعر این دوره با دوره قبل از آن است. در پایان لازم به ذکر است که آنچه عنصر تصویرسازی را در شعر انقلاب متفاوت با شعر گذشتگان می‌سازد تنها ساختار آنها نیست، هرچند از حیث ساختار عناصر خیال نیز دگرذیسی‌های زیادی به خود دیده‌اند اما بدون شک از هر زاویه‌ای که به شعر این دوران نگاه کنیم پرنگ‌ترین و مهم‌ترین عنصر آن را عناصر تعلیمی و اخلاقی خواهیم دید. در نتیجه این عناصر تعلیمی هستند که صور خیال شعر انقلاب را نیز برجسته‌تر از صور خیال شعر گذشتگان می‌سازد.

منابع و مأخذ:

- ۱- امین پور قیصر (۱۳۷۹)، گزینه، تهران: مروارید، چ سوم.
- ۲- باقری، ساعد (۱۳۷۲)، شعر امروز، تهران: انتشارات بین المللی الهدی.
- ۳- بهبهانی سیمین (۱۳۷۰)، دشت ارژن، تهران: زوار، چ دوم.
- ۴- بهمنی محمدعلی (۱۳۷۷)، گزینه، تهران: دارینوش.
- ۵- بیگ آبادی، پرویز (۱۳۷۹)، گزیده، تهران: نیستان.
- ۶- جمالی، محمدخلیل (۱۳۷۸)، دختر صوفی، تهران: نیستان.
- ۷- حسینی، حسن (۱۳۶۳)، هم صدا با حلق اسماعیل، مجموعه شعر، تهران: حوزه تبلیغات اسلامی.
- ۸- ده بزرگی احد (۱۳۷۸)، گزینه، تهران: نیستان.
- ۹- راکعی، فاطمه (۱۳۶۹)، سفر سوختن، تهران: همراه.
- ۱۰- زبیدی، عزیزالله (۱۳۶۷)، مشق نور، تهران: برگ.
- ۱۱- شاهرخی محمود (۱۳۶۷)، مجموعه شعر جنگ، تهران: امیرکبیر.
- ۱۲- شفیع کدکنی محمدرضا (۱۳۸۰)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگه، چ هشتم.
- ۱۳- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸)، هزاره دوم آهوی کوهی، تهران: بی‌نا.
- ۱۴- شمیسا، سیروس (۱۳۷۴)، بیان و معانی، تهران: فردوس.
- ۱۵- شمیسا، سیروس (۱۳۸۰)، نقد ادبی، تهران: فردوس، چ دوم.
- ۱۶- عبدالملکیان، محمدرضا (۱۳۶۶)، رباعی امروز، تهران: برگ.
- ۱۷- عزیزی احمد (۱۳۷۵)، کفش‌های مکاشفه، تهران: بین المللی الهدای.
- ۱۸- عزیزی، احمد (۱۳۷۵)، کفش‌های مکاشفه، تهران: انتشارات بین المللی الهدای، چ سوم.
- ۱۹- قزوه، علی رضا (۱۳۶۹)، از نخلستان تا خیابان، تهران: همراه.
- ۲۰- قنبری، ایرج (۱۳۶۷)، راه دریا، تهران: حوزه تبلیغات اسلامی.
- ۲۱- کاشانی سپیده (۱۳۷۸)، گزیده، تهران: نیستان.
- ۲۲- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۶۹)، آوازهای واپسین، تهران: همراه.
- ۲۳- گرمارودی موسوی (۱۳۷۸)، گزیده، تهران: نیستان، چ دوم.
- ۲۴- مردانی نصرالله (۱۳۶۴)، خون نامه‌ی خاک، تهران: کیهان.
- ۲۵- مردانی، نصرالله (۱۳۷۸)، گزیده، تهران: نیستان، چ دوم.
- ۲۶- میرشکاک، یوسفعلی (۱۳۷۴)، تهران: بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس.
- ۲۷- نازنجی زهره (۱۳۶۸)، پروانه در باغ ابریشم، تهران: نشر آثار هنری.
- ۲۸- هراتی، سلمان (۱۳۶۸)، از آسمان سبز، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چ دوم.